

دنیاگریزی ابلهانه‌ای که مستکبران را بر دنیای ما مسلط کند، زهد نیست

- زهد به این معنا نیست که زندگی شما آن چنان خراب باشد که نتوانی نیازهای خود و جامعه خود را تأمین کنی و قدرتمندان ثروتمند بر شما سلط شوند! چه کسی گفته است که معنای زهد این است؟! در هیچ جلسه‌ای از جلسات مذهبی نبوده که ما درباره زندگی بهتر از نظر مادی-در آن محدوده‌هایی که دین گفته- سخن بگوییم، مگر اینکه با اعتراض‌هایی از سر جهالت مواجه شده‌ایم، و این خیلی موجب تأسف است. در حالی که هیچ استاد اخلاقی، زهد را به این صورت معنا نمی‌کند که «زهد یعنی دنیاگریزی ابلهانه‌ای که دنیای تو به دست مستکبران بیفتند که بر تو مسلط شوند!»
 - چه کسی معنویت و دنیاگریزی را این چنین معنا کرده است که «ما برای بدست آوردن دنیای مان کار و تلاش نکنیم؟! ولی متناسفانه این تصور غلط از دینداری و آخرت‌گرایی وجود دارد که «دینداری یعنی دنیاگریزی و آخرت‌گرایی یعنی زندگی زاهدانه حداقلی، به حدی که دیگرانی که ملحد هستند بر دنیای تو مسلط شوند.»
 - این تصور باطل در میان غیرمتدينین وجود دارد که تا متدينین از زندگی بهتر حرف بزنند، آنها را مسخره می‌کنند و می‌گویند: «پس شما هم دنیال ما راه افتاده‌اید!» یعنی آنها تصور می‌کنند که خودشان واقعاً به دنیال زندگی بهتر هستند!
- ملک زندگی بهتر، «رضایتمندی» از زندگی است/ بر اساس گزارش اتحادیه اروپا، رضایتمندی اروپایی‌ها از زندگی پس از ۳۰ سال پیشرفت تکنولوژی، زیاد نشده**
- ما که می‌خواهیم به زندگی بهتر برسیم، ملاکش رضایتمندی از زندگی است، یعنی اینکه انسان راضی‌تر بشود و احساس خوشبختی کند. یعنی هر کسی در هر مردمی هست، هر طوری می‌خواهد احسان رضایتمندی و خوشبختی کند.
 - یک مرکز تحقیقاتی برای بررسی سطح رضایتمندی مردم در کشورهای اروپایی، تحقیقاتی انجام داده که نتایج آن در سایت رسمی کمیسیون اتحادیه اروپا منتشر شده است. در آنجا نشان داده است که در سی سال گذشته سطح رضایت مردم اروپا از زندگی افزایش پیدا نکرده است. یعنی با اینکه در این سی سال، تکنولوژی پیشرفت کرده ولی سطح رضایتمندی مردم افزایش پیدا نکرده است. معلوم می‌شود که تکنولوژی به تنها یعنی تواند میزان رضایتمندی را افزایش دهد. این تحقیق را در میان افراد کم‌درآمد و پردرآمد هم انجام داده‌اند و نتیجه نشان داده که هر دو گروه فقر و ثروتمند، سطح رضایتمندی شان تغییر چندانی نکرده است. ما نباید ظاهربین باشیم! باید بینیم که آیا واقعاً میزان رضایت آنها از زندگی افزایش پیدا کرده است؟!
- در دنیای امروز، مجبوریم در «رقابت زندگی بهتر» شرکت کنیم و الا تحت سلطه ابليسیان قرار می‌گیریم**
- زهد به معنای زندگی‌گریزی نیست، چون تا از زندگی خودت فرار کنی و از بهبود وضع معيشتی خودت فرار کنی (به عنوان فرد یا جامعه)، دیگران بر تو مسلط خواهند شد. مخصوصاً در زندگی‌های امروزی که خیلی با گذشته فرق کرده است. در زندگی‌های گذشته که با صد کیلومتر فاصله، کسی از کسی خبردار نبود و به این سادگی‌ها کسی بر کسی سلطه پیدا نمی‌کرد، شاید در آن زمان

پنهان: دنیاگریزی ابلهانه‌ای که مستکبران را بر دنیای ما مسلط کند، زهد نیست/دین، راه رفاه را به انسان یاد می‌دهد/ در اثر تبعیت از پیامبران، زندگی خوش مادی پدید می‌آید/ برخی می‌خواهند بدون رحمت، زندگی‌شان بهتر شود/ فرهنگ کار در ما خیلی پایین است+صوت

زهد به این معنا نیست که زندگی شما آن چنان خراب باشد که نتوانی نیازهای خود و جامعه خود را تأمین کنی و قدرتمندان ثروتمند بر شما سلط شوند! چه کسی گفته است که معنای زهد این است؟! در هیچ جلسه‌ای از جلسات مذهبی نبوده که ما درباره زندگی بهتر از نظر مادی-در آن محدوده‌هایی که دین گفته- سخن بگوییم، مگر اینکه با اعتراض‌هایی از سر جهالت مواجه شده‌ایم، و این خیلی موجب تأسف است. در حالی که هیچ استاد اخلاقی، زهد را به این صورت معنا نمی‌کند که «زهد یعنی دنیاگریزی ابلهانه‌ای که دنیای تو به دست مستکبران بیفتند که بر تو مسلط شوند!»

حجت الاسلام علیرضا پنهانیان که در رمضان گذشته با موضوع «[تنهای مسیر-راهبرد اصلی در نظام تربیت دینی](#)» سخنرانی کرد و مورد استقبال جوانان قرار گرفت، امسال قرار است به مدت ۳۰ شب در مسجد امام صادق(ع) میدان فلسطین به موضوع «[تنهای مسیر برای زندگی بهتر](#)» پردازد و به سوال «چگونه یک زندگی بهتر داشته باشیم؟» پاسخ دهد. در ادامه فرازهایی از [نهمین جلسه](#) این سخنرانی را می‌خوانید:

دو گروه با بحث «زندگی بهتر» مخالفت می‌کنند/برخی غیرمذهبی‌ها با تمسخر، به متدينین می‌گویند «شما مثل ما دنیال زندگی بهتر هستید؟!» رکدام پیامبر فرموده دنیای خود را آباد نکنید؟

بعد از ارائه تعریف زندگی در جلسات قبل، می‌خواهیم به بحث «زندگی بهتر» پردازیم و اینکه «انسان چگونه می‌تواند به زندگی بهتر برسد؟». ما نمی‌خواهیم با زندگی، خیلی حداقلی برخود کنیم، بلکه به دنیال این هستیم که زندگی‌مان چگونه می‌بهتر می‌شود؟ در اینجا دچار یک چالش بسیار بزرگ می‌شویم و متناسفانه بخشی از این چالش از سوی افراد مذهبی است.

ما با مطرح کردن بحث زندگی بهتر، با نوع مخالفت مواجه هستیم: یک نوع مخالفت از سوی افراد غیرمذهبی و یک نوع مخالفت از سوی افراد مذهبی. گاهی اوقات غیرمذهبی‌ها با تمسخر، به متدينین می‌گویند: «شما هم مثل ما دنیال زندگی بهتر هستید؟! اینکه کار ما و کسانی است که دین و ایمان ندارند و آخرت را نمی‌خواهند! چطور شده شما که دنیال خدا بودید، به دنیال زندگی بهتر افتاده‌اید؟!»

در فضای معنوی اگر بخواهی درباره «زندگی بهتر» صحبت کنی، اولاً با تمسخر غیرمتدينن مواجه خواهی شد، و ثانیاً با برخوردهای عقداء‌ای یا جاهلانه برخی از افراد مذهبی مواجه خواهید شد که می‌گویند: «شما که گفته بودید نباید دنیا برویم!» در حالی که این یک دروغ بزرگ است. کدام پیامبری گفته است که شما دنیای خود را آباد نکنید؟! ما اگر گفتیم «دنیا نه!» یعنی حبالدنیا نه! یعنی دنیا را بر آخرت ترجیح ندهیم نه اینکه دنیا را ترک کنیم یا وظيفة خودمان را درباره تأمین دنیای خودمان و اطرافیان خودمان انجام ندهیم.

دین، راه رفاه را به انسان یاد می‌دهد^[علی](ع): در اثر تبعیت از پیامبران، زندگی خوش مادی پدید می‌آید

یکی از نتایج دین، این است که راه رفاه را به انسان یاد می‌دهد. توسعه مادی زندگی را برای انسان هموار می‌کند و در این هیچ

تردیدی نیست. تعابیری در خلیله قاصمه امیر المؤمنین(ع) درباره اثر تبعیت از پیامبر گرامی اسلام(ص) هست که بسیار جالب است.

می‌فرماید: «به موقع نعمت‌های خدا نگاه کنید که خدا پیامبری را مبعوث کرد و به سوی مردم فرستاد، مردم او را اطاعت کردند و او

توانست الفتین بین مردم ایجاد کند و نعمت، بالی کرامت خودش را بر سر مردم گستراند و نهرهای نعمت به سوی مردم جاری شد، و

اینها غرق نعمت شدند و در سبزهزار زندگی خوش، متنم بودند؛ فَانْظُرُوا إِلٰي مَوْاعِدِ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ جِنَّـٰ بَعْثَتِ اللّٰهِ رَسُولًا فَعَقَدَ بِمِنْهٖ طَائِفَةً وَجَعَلَ عَلٰى دُغْوَتِهِ الْفَتَّهُمْ كَيْفَ نَشَرَتِ النَّمَاءَ عَلَيْهِمْ جَنَاحَ كَرَمَتِهَا وَأَسَّلَتْ لَهُمْ جَنَّاولَ نَعِيمَهَا وَالْفَتَّهُمْ بِهِمْ فِي عَوَادِ

برکتِهَا فَأَصْبَحُوا فِي نِعْمَتِهَا غَرَقِينَ وَفِي خُضْرَةِ عِيشَهَا فَكَيْهِينَ»(نهج البلاغه/خطبة ۱۹۲) یعنی در اثر تبعیت از پیامبران الهی، عیش

و زندگی خوش مادی پدید می‌آید و این طور نیست که اگر یک امتنی از یک پیامبری تبعیت کند، فقیر و بیچاره شود!

البته معلوم است که آخرت از دنیا مهم‌تر است و اگر آدم دنیا را به آخرت ترجیح دهد، حماقت کرده است. در مقایسه با آخرت دنیا

از رشی ندارد، اما شما برای آباد کردن آخرت خودتان چاره‌ای ندارید جز اینکه دنیای خودتان را آباد کنید. **خداوند می‌فرماید:** «وَمَا

هَذِهِ الْحَيَاةُ الْلَّيْلَهُ وَلَيْلَهُ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ أَبْهَى الْحَيَاةِ»(عن کعبوت ۶۴) حیات حقیقی آخرت است و دنیا بازی است ولی ما

اماموریم به اینکه این بازی را به خوبی انجام دهیم، اماموریم به اینکه در این استخرا بازی شنا کنیم و غرق شویم، مشکل دینداری

این است که شما باید به دنیای خودت پردازی و در عین حال، دینداری کنی. اما خیلی‌ها از این بابت ناراحت هستند و می‌گویند:

«ای کاش ما فقط به دین می‌پرداختیم و اصلاً وارد امور دنیا نمی‌شدیم!»

**روایات احترام به فقر، به این معنا نیست که ما وظیفه داریم خودمان را فقیر کنیم! / انسان باید برای تأمین
ثروت تلاش کند**

• مسلماً فقر از نظر مادی به معنای زندگی بهتر نیست. متنها این سؤال مطرح می‌شود: که برخی روایات که

درباره احترام و اعزاز فقرا آمده است، چه می‌شود؟ هر روایتی که در باب احترام فقرا وجود دارد، معنایش

این نیست که ما وظیفه داریم خودمان را فقیر کنیم! به هیچ وجه این طور نیست، بلکه برعکس، انسان باید

برای تأمین ثروت تلاش کند.

• مگر در روایات ما افراد بیمار و مريض، مورد احترام نیستند؟! مثلاً می‌فرماید: کسی که از شدت تب و بیماری

تا صبح به خودش بیچد، ولی شکایت نکند، ناله نزد و صدای بیماری خودش را به دیگران نرساند، خدا او

را در اعلی علیین قرار می‌دهد.(قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَ قَالَ اللّٰهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَنْ مَرْضَ ثَلَاثَةَ فَلْمَ يَشْكُ إِلٰي أَخِدْ مِنْ

عَوَادِهِ... فَإِنْ عَافَيْتُهُ عَافَيْتُهُ وَ لَا ذَنْبَ لَهُ وَ إِنْ قَبَضْتُهُ قَبَضْتُهُ إِلٰي رَحْمَتِي؛ کافی/۳/۱۱۵) این همه اجر برای بیمار

رنجور، معنایش این نیست که ما برویم و خودمان را مريض کنیم! جامعه‌ای که بیماری در آن جامعه زیاد

باشد، بدیخت است و معلوم است که آنها دستور انبیاء الهی را اجرا نکرده‌اند.

• از آنجا که خدا خیلی رئوف و رحیم است، نسبت به افراد بیمار و رنجور، مهربان است ولی معنایش این نیست که ما هم برویم و

خودمان را مريض کنیم تا مورد لطف خدا قرار بگیریم! درباره فقر نیز همین طور است. اینکه در ادعیه داریم: خداها از کفر و فقر به تو

می‌توانستید زهد پیشه کنید و به زندگی شما هم زیاد لطمہ وارد نشود. ولی الان اگر پیشرفت‌ترین تکنولوژی‌ها را برای رفع بیماری
بیماران لاعلاج جامعه نداشته باشیم، تحت سلطه ابليسیان قرار خواهیم گرفت.

• در دنیا امروز، مجبوریم در رقابت «زندگی بهتر» شرکت کنیم؛ به عنوان یک وظیفه دینی، مجبوریم علم و تکنولوژی را به عنوان
یکی از ابزار زندگی بهتر، پیشرفت‌هتر قرار دهیم و مجبوریم در این رابطه تلاش کنیم. مجبوریم وضع زندگی خودمان را بهتر کنیم و
اینها معنایش این نیست که بزیر و بیاش مسرفانه انجام دهیم و به تجملات بی خود پردازیم و عاشق دنیا شویم.

برخی از نیازهای جدید انسان امروزی، لازمه حیات پیشرفتۀ بشری است

• تجربه حیات بشر نشان داده است که انسان‌ها همین‌طور که دارند زندگی می‌کنند، نیازهای جدیدی هم تولید می‌کنند که برخی از
آن نیازهای جدید، کاذب هستند اما برخی از این نیازهای جدید، لازمه حیات پیشرفتۀ بشری است. این نیازهای جدید که تولید
می‌شوند، طبیعتاً را به سمت برآورده کردن این نیازها حرکت می‌دهند و وقتی ما این نیازها را درست برآورده کنیم، زندگی ما
پیشرفت‌هتر خواهد شد. وقتی زندگی همه، دارد پیشرفت‌هه می‌شود، ما هم نباید در این رقابت عقب بمانیم.

• طبیعتاً نمی‌شود انسان را به یک نوع خانه محدود کرد. نمی‌شود او را به یک نوع مرکب محدود کرد. البته این پیشرفت‌ها در برخی
زمینه‌ها واقعاً زائد هستند، اما در برخی از زمینه‌ها ضرورت حیات طبیعی بشر هستند. مثلاً فرق انسان با گنجشک این است که
گنجشک‌ها در طول تاریخ، همیشه یک جور لانه می‌ساختند ولی انسان‌ها این طور نیستند. نه تنها به خاطر اینکه انسان‌ها طمع دارند
زندگی خود را بهتر کنند، بلکه جدای از طمع، بحث نیاز مطرح است. زندگی انسان وقتی جلو می‌رود، نیازهای جدیدی تولید می‌کند
که لاجرم باید به آنها پاسخ داد و این یک‌نوع توسعه در زندگی مادی را به دنبال خواهد آورد.

در برخی زمینه‌ها باید با دشمن رقابت کنیم تا بر ما مسلط نشود/ کمک امام باقر(ع) به دستگاه حاکم برای

رسیدن به تکنولوژی ضرب سکه

• شما نمی‌توانید از این مسیر پیشرفت در متن زندگی مادی عقب‌نشینی کنید. حتی اگر دشمنان شما نبودند، باز هم به این پیشرفت،
مجبور بودید و لی حالا به صورت مضاعف، مجبور هستید چون یک درگیری و نبردی در این میان هست. در برخی از زمینه‌ها لازم
است با آنها مسابقه بدھیم و لا بر ما مسلط می‌شوند و این دستور دین ماست که «نگذارید بر شما مسلط شوند» وَ لَنْ يَجْعَلَ اللّٰهُ لِلْكٰافِرِ عَلٰى الْمُؤْمِنِينَ سَيِّلًا؛ نساء (۴۱)

• مثال مشهورش در تاریخ اسلام، مثال «ضرب سکه» است. مملکت اسلامی در زمان امام محمد باقر(ع) از تکنولوژی ضرب سکه
برخوردار نبود و دشمنان و رومیان می‌خواستند از این طریق بر جامعه اسلامی تسلط فرهنگی پیدا کنند. می‌خواستند برخی از
شعارهای خودشان را بر روی سکه‌هایی که برای جامعه اسلامی ضرب می‌کنند، بزنند. در این زمان امام باقر(ع) به میدان آمد و به
همان حکومت ظالم کمک کرد و آنها به مدد امام باقر(ع) تکنولوژی ضرب سکه را یاد گرفتند و خودشان را از زیر سلطه غربی‌ها
نجات دادند.

• زندگی بهتر اقتضای طبیعت بشر است و کسی هم نگفته است که این طبیعت بشر را انکار کنیم، بلکه باید آن را هدایت و کنترل
کنیم. اگر هدایت و کنترل نشود، گروهی به خاطر پیشرفت خودشان، دیگران را به برداگی می‌کشانند؛ مثل همین وضعی که الان در
جهان داریم مشاهده می‌کنیم.

- البته این سخنان در جامعه ما که خیلی از مؤمنین درگیر با حادقی های زندگی هستند، ممکن است برای بعضی ها ناخوش آیند باشد و بگویند: «ما حادقی ها را هم نداریم، حالا شما دارید از خانه وسیع صحبت می کنید!» خدا مجازات خواهد کرد کسانی که باعث شدند و می شوند که بخشی از جامعه ما از رفاه حادقی خوب محروم بماند.

- امام موسی بن جعفر(ع) منزل وسیعی خریدند و به یکی از بستگان شان فرمودند، خانه تو کوچک است بیا در این خانه بزرگ بشنی. او عرض کرد: همان خانه کوچک برای من بس است، چون آن خانه را پدرم ساخته است، می خواهم همانجا باشم! حضرت فرمود: آدمیم و پدر تو نادانی کرد، آیا تو هم باید راه او را ادامه بدھی؟! خانه باید وسیع باشد.**(إنَّ الْحَسْنَ عَشَرَيْ دَارًا وَ أَمْرَ مَوْلَى لَهُ أَنْ يَتَحَوَّلَ إِلَيْهَا وَ قَالَ إِنَّ مَنْتِلَكَ ضَيْقٌ فَقَالَ قَدْ أَخْذَتَ هَذِهِ الدَّارَ أَبِي فَقَالَ أَبُو الْحَسْنَ عَ إِنْ كَانَ أَبُوكَ أَحْمَقَ يَتَبَغَّى أَنْ تَكُونَ مِثْلَهِ؛ كافی ۵۲۵/۶)**

- امیرالمؤمنین کشاورز نمونه مدینه/ دیبرستانی‌ها آخر هفته‌ها به جای بازی با موبایل، کشاورزی کنند در ارتباط با زندگی بهتر، توصیه‌های بسیار روشنی داریم، امیرالمؤمنین(ع) وقتی دچار عزلت شدند و حکومت وقت، ایشان را کنار زد، شروع کردند به کشاورزی کردن، و کشاورز نمونه مدینه شدند. الان بسیاری از حزب‌الله‌ی‌ها هستند که تابه‌حال دستشان با بیل آمنا نشده است! خیلی از بچه‌های مذهبی‌ها می‌توانند جمع شوند و با کمک هم‌دیگر یک باغی بخزند و آنجا را آباد کنند که هم محل تفریح‌شان باشد و هم محل کار و تلاش و کسب درآمد. این کار مؤمنین و خوبان است. عموم ائمه هدی(ع) با غادر بودند، البته این حرف را برای کسانی می‌گوییم که یک‌مقار دستشان به دهن‌شان می‌رسد که اگر از برخی ریخت و پاش‌های اضافه صرفه‌جویی کنند می‌توانند این کار را انجام دهند، خصوصاً اگر کسی بتواند کارآفرینی کند خیلی خوب است، کما اینکه مقام معظم رهبری فرمودند: کارآفرینی عبادت است. بنده حتی این کارها را در سطح بچه‌های دیبرستانی می‌دانم؛ آنها می‌توانند به جای موبایل‌بازی و... از پدران شان بخواهند که اگر می‌توانند با هم جمع شوند و یک جایی را تهیه کنند(مثلاً در اطراف همین تهران) تا این بجهه‌ها پنج‌شنبه‌جمعه‌ها بروند و کشاورزی کنند و فعالیت کنند.

فرهنگ کار در ما خیلی پایین است/ برخی می‌خواهند بدون زحمت، زندگی‌شان بهتر شود

- فرهنگ کار در ما خیلی پایین است، بعد اسم خودمان را هم حزب‌الله‌ی و مؤمن و مسجدی و مذهبی و هیأتی می‌گذاریم!
- برخی می‌خواهند همین‌طوری-بدون زحمت- زندگی‌شان بهتر بشود؛ این افراد معمولاً اگر دیگران را بیتنند که زندگی بهتری دارند، شاید ناسزا هم به او بگویند، و غرغر کنند که : معلوم نیست از کجا این پول‌ها را آورده‌اند در حالی که شاید او افعاً زحمت کشیده، یا شاید از پدرش به او ارش رسیده.

- سعی کنید خودتان را به «زندگی بهتر» برسانید؛ متنه در حد وظیفه و بدون فراموش کردن خدا، البته کسی که وارد بازار می‌شود می‌تواند خیلی راحت خدا را فراموش کند؛ با این حساب، آیا ناید وارد بازار شویم؟! این شیوه سخن کسانی است که می‌گویند: «خدایا! چه می‌شد اگر سن بلوغ جوانان را عقب‌تر می‌انداختی تا در اثر شهوت، دچار معصیت نشوند؟! چون بلوغ جنسی خطرخیز است!» خوب خیلی چیزهای دیگر هم هست که خطرخیز است؛ مثلاً گاهی از اوقات با پرخوری این قدر روحت سیاه می‌شود که با خیلی رفتارهای بد دیگر، این قدر دلت سیاه نمی‌شود. با این حساب آیا باید غذا را کنار بگذاریم؟!

پناه می‌برم؛ **اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفَّرِ وَالْفُقْرِ**»(کافی ۴۰/۳۴) نشان می‌دهد که فقر و کفر همسنگ و همسطح هم‌دیگر هستند. اما در عین حال، یک مؤمن از فقیرانه زندگی کردن ایابی ندارد.

فقر در اثر تنبی و بی‌تقویی، با فقری که خدا برای مؤمن باتقوا و پرتلاش مقدار کرده، متفاوت است

- اگر یک مؤمن برای اینکه ثروتمند شود تلاش کرد اما خدا ثروت را برای او مقدر نکرده بود و او هم به رضای الهی رضایت بدهد و فقر را بیندیرد، او مقامش در بهشت خدا بالاتر از ثروتمند مؤمن است. چون او تلاش خودش را انجام داده ولی خدا برای فقر را مقدر کرده است. این فقر زیباست، اما نه فقر در اثر بی‌عرضگی که انسان خسر الدینی و الآخره می‌شود. بین فقر در اثر تنبی و بی‌عرضگی و بی‌دینی و بی‌تقویی، با فقری که خدا برای آدم باتقوا و با عرضه و پرتلاش مقدار کرده خیلی تفاوت هست. الان کم نیستند کسانی که در جامعه ما دچار فقر هستند، اما نه به خاطر تنبی، بلکه به خاطر نظمات اقتصادی غلطی که در جامعه ما هست، اینها تقصیر خودشان نیست، چون تلاش خود را هم انجام داده‌اند متنها مشکل در جای دیگری است.

او لاً ما وظیفه داریم که زندگی خودمان را بهتر کنیم، و ثانیاً باید برای زندگی بهتر دعا کنیم. یک نمونه از تلاش‌هایی که باید برای زندگی بهتر انجام دهیم، این است که در روایات داریم که هر کسی پولی دارد باید پول خودش را راکد بگذارد، بلکه باید پول خودش را به کار بیندازد و پول خودش را اضافه کند. پس سرمایه‌گذاری کردن، توصیه‌رسی می‌دان ماست. البته معلوم است که استفاده غلط از پول(مانند ریاخواری یا قاچاق) اشتباه است اما توصیه‌رسی دین است که باید پول را افزایش دهید و نگذارد یک‌جایی ثابت ماند. **(لَا تَدْعُوا النَّجَارَ فَهَهُنُوا أَتَبْرُوا بَارِكَ اللَّهُ لَكُمْ؛ کافی ۱۴۹/۵)**

اگر بخواهی برای رفع نیاز خود «ماشین خوب» و «خانه وسیع» داشته باشی، این دنیاطلبی نیست

- در روایت هست که از سعادت مرد چند چیز است: یکی فرزند خوب(فرزنده) که راه خوب پدر و مادرش را ادامه دهد) همسر خوب و متین، و مرکب راهوار و خانه وسیع (**قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صِ مِنْ سَعَادَةِ الْمُسْلِمِ الرُّوحُ الْأَوَّلُ الصَّالِحَةُ وَالْمُسْكِنُ الْوَاسِعُ وَالْمَرْكُبُ الْهَنِيُّ وَالْأَوَّلُ الصَّالِحُ؛ جعفریات ۹۹ و قرب الاستاد ۷۷**) درست نیست که انسان در یک ماشین ابوقراضه بنشیند و این را علامت دینداری خودش بداند حتی یکی از عالائم اینکه «این مملکت چقدر اسلامی است؟» این است که ماشین‌های خوب تولید کند تا بگویند: دلیلش این است که در دین آنها ماشین یا مرکب خوب سفارش شده است.

حتی اگر شما برای رفع نیاز خودتان برای تأمین ماشین خوب تلاش کنید، این جزء حب الدینی نیست(البته منظور از ماشین خوب، به معنای تربیتی و تجملی و آن چنانی نیست) برخی می‌گویند: «ماشین آدم را خراب می‌کند!» اگر این طور باشد خیلی چیزهای دیگر نیز وجود دارد که آدم را خراب می‌کند، مثل غریزه جنسی، غذا خوردن... متنها بناست که ما از بین اینها عبور کنیم و خراب نشویم.

- جامعه ما باید به این سمت برود که مردم بتوانند از خانه وسیع برخوردار باشند، البته این هم به معنای دنیاطلبی نیست. ولی اگر آدم چنان عشق به دنیا، به مرکب یا به خانه وسیع داشته باشد که آخرت از یادش برود، بدیخت است. اگر آدم بخواهد دنیای خودش را بر آخرت ترجیح دهد، بیچاره است، یا اگر بخواهد دنیای خود را ز راه غلط بددست آورد، بیچاره است.

برخی از ادعیه‌ها، برای تأمین زندگی بهتر است / دعای پیامبر(ص) برای اصلاح دین، دنیا و آخرت

- برخی از ادعیه‌ها، برای تأمین زندگی بهتر است؛ مثلاً از پیامبر گرامی اسلام(ص) نقل شده است که ایشان معمولاً صحیح‌ها که هنگام استجابت دعا است، این دعا را می‌خواندند و موقع خواندن صدایشان را بلند می‌کردند تا اصحابشان صدایشان را بشنوند(کآنَ رَسُولُ اللَّهِ صَ إِذَا صَلَّى الصُّبْحَ رَفَعَ صَوْتَهُ حَتَّى يُسْمَعَ أَصْحَابَهُ؛ امالي طوسی(۱۵۸))
- دعای حضرت این بود: «خدایا دین مرا اصلاح کن، که موجب محافظت من خواهد شد(و مرا از خطرات نگه می‌دارد): **اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّتِي جَعَلْتَ لِي عِصْمَةً**» و این را سه‌بار تکرار می‌فرمود. و بعد عرضه می‌داشت: «خدایا دنیای مرا اصلاح کن، دنیایی که معیشت و زندگی مرا در آن قرار داده‌ای؛ **اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِنْيَاهُ الَّتِي جَعَلْتَ فِيهَا مَقْعَدِي**» و سه‌بار تکرار می‌کردند. و بعد عرضه می‌داشت: «خدایا آخرت مرا اصلاح کن، چون آخرت من محلی است که من در نهایت به آنجا مراجعت خواهم کرد؛ **اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي جَعَلْتَ إِلَيْهَا مَرْجِي**» و سه‌بار تکرار می‌کردند. و «خدایا من به رضای تو پناه می‌برم از ناراحتی تو از دست خودم و پناه می‌کرم به عفو تو، از غضب تو و از بلای تو؛ **اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخْطِكَ، وَ أَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ تَقْمِيَكَ**» و سه‌بار تکرار می‌کردند. و «خدایا من از تو به تو پناه می‌برم که اگر عطا کنی سر راه تو نیست، و اگر تو مرا از نعمتی منع کنی، هیچ کسی نمی‌تواند عطاکننده باشد، و هیچ کسی نمی‌تواند با هیچ تلاش و کوششی از حکومت تو فرار کند و خلاف خواسته تو کاری انجام دهد؛ **اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ، لَا مَانِعَ لِمَا أَغْتَبَتْ، وَ لَا مُظْلِلَ لِمَا مَنَعَتْ، وَ لَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدَّ مِنْكَ الْجَدُّ**»
- در دعای فوق یک راهنمایی زیبا هم برای ما وجود دارد: شما که توجه به پروردگار عالم دارید، و با استعانت از پروردگار، او را مسبب الاسباب می‌دانید، در عین حال، باید برای آخرت خودتان و قبل از آن، برای دنیای خودتان دعا کنید. یعنی اول برای دین، بعد برای دنیا، بعد برای آخرت خودتان به ترتیب دعا کنید. و ما در جلسات بعدی خواهیم دید که این دین، دنیای انسان را بسیار آباد می‌کند.

اگر دنبال دنیا رفتی و دنیایت تأمین شد، باید بتوانی آن را راحت در راه خدا بدھی

- انسان در حد وظیفه خودش باید برای دنیای خودش تلاش کند و اگر به دستش رسید که چه بهتر. منتهای اگر دنبال دنیا رفتی و دنیایت تأمین شد، باید بتوانی این دنیای خود را راحت در راه خدا بدھی؛ این هم یکی دیگر از شرطهای آن است. یعنی آدم باید تلاش کند و زندگی خودش را تأمین کند، و بعد آنچه ای که لازم بود در راه خدا خرج کند، راحت بتواند خرج کند.
- دل‌ها بسوزد برای حضرت خدیجه کبری(س) که تمام دارایی‌اش را صرف پیامبر گرامی اسلام(ص) کرد، اما آن قدر در این دنیا نماند که نتیجه و ثمرة قیام پیامبر اکرم(ص) را ببیند. حیات ایشان فقط تا شعب ایطالب که اواخر آن زجرهای پیغمبر(ص) بود و مسلمین تقریباً در آستانه فتح بودند، ادامه پیدا کرد و در آن جا در اوج غربت از دنیا رفتند...

